

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه صنعتی اصفهان

دانشکده مهندسی صنایع و سیستمها

بررسی اثر مخارج دولت بر سرمایه گذاری خصوصی ایران

پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی سیستمهای اقتصادی

مریم قزلحصاری

استاد راهنما

دکتر اکبر توکلی



دانشگاه صنعتی اصفهان

دانشکده مهندسی صنایع و سیستمها

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی سیستمهای اقتصادی

خانم مریم قزلحصاری

تحت عنوان:

بررسی اثر مخارج دولت بر سرمایه گذاری خصوصی ایران

در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۱ توسط کمیته تخصصی زیر مورد بررسی و تصویب نهایی قرار گرفت.

- | | |
|-----------------------|-------------------------------|
| دکتر اکبر توکلی | ۱- استاد راهنمای پایان نامه |
| دکتر غلامعلی رئیسی | ۲- استاد مشاور پایان نامه |
| دکتر نادر شتاب بوشهری | ۳- استاد داور |
| دکتر مهدی بیجاری | سرپرست تحصیلات تکمیلی دانشکده |

سپاسگزاری و قدردانی

از خداوند بزرگ که قابل اعتمادترین راهنما و بی‌منت‌ترین راهگشاست سپاسگزارم.
از خانواده عزیزم برای تمامی زحماتشان تشکر می‌کنم.
از استاد راهنمای بزرگوایم جناب آقای دکتر توکلی به خاطر راهنمایی‌های صبورانه و تشویق-
هایشان در تمام مراحل اجرایی این تحقیق صمیمانه سپاسگزارم.
از استاد مشاور محترم جناب آقای دکتر رئیسی که در انجام این پایان‌نامه از کمک‌های ایشان بهره
گرفتم، تشکر می‌کنم.
از استاد محترم آقای دکتر شتاب بوشهری که زحمت بازخوانی و داوری این پایان‌نامه را بر عهده
داشتند، کمال تشکر را دارم.
از دوست بسیار خوبم آقای مهدی همی مقدم تشکر می‌کنم.

مریم قزلحصاری

اردیبهشت ماه ۱۳۸۷

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و
نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان‌نامه متعلق به
دانشگاه صنعتی اصفهان است

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	چکیده فارسی.....
۲	فصل اول: کلیات تحقیق.....
۲	۱-۱- مقدمه.....
۴	۱-۲- ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق.....
۵	۱-۳- هدف تحقیق.....
۵	۱-۴- فرضیات تحقیق.....
۶	۱-۵- دوره زمانی تحقیق.....
۶	۱-۶- روش شناسی تحقیق.....
۷	فصل دوم: مروری بر نظریه های سرمایه گذاری.....
۷	۲-۱- مقدمه.....
۷	۲-۱-۱- اهمیت سرمایه گذاری در عقاید صاحب نظران رشد و توسعه.....
۱۳	۲-۱-۲- اهمیت تشکیل سرمایه.....
۱۴	۲-۲- سرمایه گذاری بخش خصوصی و سرمایه گذاری بخش دولتی.....
۱۴	ماهیت سرمایه گذاری دولتی.....
۱۴	ماهیت سرمایه گذاری خصوصی.....
۱۵	۲-۳- نظریه های سرمایه گذاری.....
۱۵	۲-۳-۱- نظریه های شتاب.....
۱۵	الگوی شتاب ساده.....
۱۷	الگوی شتاب با وقفه زمانی.....
۱۷	تحلیل گودوین و چنری از اصل شتاب.....
۱۸	تحلیل کویک از اصل شتاب.....
۲۰	۲-۳-۲- نظریه تعیین سرمایه گذاری در الگوی بین دوره ای تعیین درآمد فیشر.....
۲۵	۲-۳-۳- نظریه کارائی نهایی سرمایه و سرمایه گذاری کینز.....
۲۶	۲-۳-۴- تئوری نئو کلاسیک رفتار سرمایه گذاری.....
۳۰	۲-۴- سیاست های اقتصادی کلان و سرمایه گذاری بخش خصوصی.....
۳۰	۲-۴-۱- سیاست های مالی و سرمایه گذاری بخش خصوصی.....
۳۵	۲-۴-۲- سیاستهای پولی و سرمایه گذاری بخش خصوصی.....
۳۸	سیاست تعیین نرخ ارز.....
۳۹	۲-۵- بررسی تعیین کننده های نهادی، سیاسی و اقتصادی.....
۳۹	۲-۵-۱- شرایط اقتصادی، نهادی و سیاسی لازم برای بروز اثر جذب ازدحامی.....

۴۴	۲-۵-۲- شرایط اقتصادی، نهادی و سیاسی لازم برای بروز اثر دفع ازدحامی
۴۶	۲-۶-۶- مروری بر برخی مطالعات تجربی انجام شده
۴۷	۲-۶-۱- مطالعات خارجی
۵۱	۲-۶-۲- مطالعات داخلی
۵۶	فصل سوم: معرفی مدل مورد استفاده
۵۶	۳-۱- مقدمه
۵۷	۳-۲- شناخت کمی و بررسی روند متغیرهای کلان اقتصادی مورد استفاده در مدل
۵۷	۳-۲-۱- تولید ناخالص داخلی و رشد آن
۶۰	۳-۲-۲- سرمایه گذاری کل
۶۲	۳-۲-۳- سرمایه گذاری بخش خصوصی
۴۶	۳-۲-۴- سرمایه گذاری بخش دولتی
۶۶	۳-۲-۵- کل مخارج دولت
۶۹	۳-۲-۶- مخارج جاری و عمرانی دولت
۷۴	۳-۲-۷- مخارج دولت در امور چهارگانه
۷۹	۳-۲-۸- بررسی روند تغییرات نرخ تورم
۸۱	۳-۳- معرفی الگو
۸۱	۳-۳-۱- مدل تجربی
۸۶	فصل چهارم: روش شناسی تحقیق و برآورد مدل
۸۶	۴-۱- آزمون پایایی متغیرها
۸۶	۴-۲- معرفی روش تخمین
۸۸	۴-۳- روش ECM
۸۹	۴-۴- تخمین مدل اول
۹۱	۴-۴-۱- آزمونهای تشخیصی پس از تخمین
۹۳	۴-۴-۲- الگوی تصحیح خطا
۹۴	۴-۵- تخمین مدل دوم
۹۷	۴-۵-۱- الگوی تصحیح خطا
۹۷	۴-۶- تخمین مدل سوم
۱۰۰	۴-۶-۱- الگوی تصحیح خطا
۱۰۰	۴-۷- جمع بندی و نتیجه گیری
۱۰۲	فصل پنجم: تحلیل نتایج
۱۰۲	۵-۱- مقدمه
۱۰۳	۵-۲- تحلیل نتایج حاصل از تخمین مدل

۱۰۳.....	۱-۲-۵- اثر مخارج دولت بر سرمایه گذاری خصوصی
۱۰۶.....	۲-۲-۵- اثر تولید ناخالص داخلی بر سرمایه گذاری خصوصی
۱۰۶.....	۳-۲-۵- اثر سایر متغیرها (نرخ بهره و نرخ تورم)
۱۱۰.....	پیشنهادات برای تحقیقات آتی
۱۱۱.....	مراجع و منابع
۱۱۳.....	پیوست

چکیده

هدف این مطالعه بررسی رابطه بین مخارج دولت و سرمایه گذاری خصوصی ایران در طی دوره ۱۳۸۲-۱۳۳۸ می باشد. برای بررسی اثر مخارج دولت بر سرمایه گذاری خصوصی ایران با کمک دو روش ARDL و ECM سه مدل مورد مطالعه قرار گرفته است. در مدل اول مخارج دولت به صورت کل (مخارج جاری + مخارج عمرانی) در نظر گرفته شده است، در مدل دوم کل مخارج دولت به مخارج جاری و مخارج عمرانی دولت تقسیم شده است و اثر هر یک بر سرمایه گذاری خصوصی مورد بررسی قرار گرفته است و نهایتاً در مدل سوم مخارج عمرانی را نیز به سه بخش مخارج عمرانی در امور اقتصادی، امور اجتماعی و امور عمومی تقسیم کرده ایم. در این تقسیم بندی مخارج عمرانی در امور دفاعی را نادیده گرفتیم به دلیل اینکه به طور میانگین تنها ۶ درصد از کل مخارج دولت در امور دفاعی را تشکیل می دهد و بخش اعظم مخارج در امور دفاعی از نوع هزینه های جاری می باشد. متغیر های توضیحی در هر سه مدل علاوه بر مخارج دولت شامل تولید ناخالص داخلی واقعی، نرخ سود واقعی و نرخ تورم می باشد. در مدل اول مخارج دولت اثر مثبت روی سرمایه گذاری خصوصی از خود نشان داده است، در مدل دوم با تفکیک مخارج دولت، مخارج جاری اثر منفی و مخارج عمرانی اثر مثبتی را بر سرمایه گذاری خصوصی اعمال کرده اند. نتایج حاصل از برآورد مدل سوم، حاکی از آنست که مخارج عمرانی دولت در هر سه امور اقتصادی، اجتماعی و عمومی اثر مثبت بر سرمایه گذاری خصوصی داشته اند و در این میان مخارج عمرانی در امور اقتصادی به دلیل گسترش زیر ساختها و زیربنای اقتصادی دارای بیشترین اثر می باشد و در مراتب بعدی به ترتیب مخارج عمرانی در امور اجتماعی و امور عمومی قرار دارند.

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه

از نقطه نظر سیاسی، اثرات سرمایه گذاری عمومی و سرمایه گذاری خصوصی روی یکدیگر بسیار مهم هستند. ادبیات روی اقتصاد های پیشرفته، سرمایه گذاری دولت را تعیین کننده نشان می دهد و به نظر می رسد که یک نیروی جلو برنده برای سرمایه گذاری خصوصی و نهایتاً رشد اقتصادی به حساب می آید. اشوئر^۱ معتقد است که توسعه سرمایه گذاری عمومی با افزایش نرخ بازدهی سرمایه گذاری خصوصی، محرک سرمایه گذاری بخش خصوصی می باشد. به طور مشابه، تدارک کالاهای سرمایه ای به عنوان زیر بنا، پتانسیل افزایش بهره وری نهایی سرمایه گذاری خصوصی را دارد و بنابراین اثر مکملی بر سرمایه گذاری خصوصی اعمال می کند. [۱]

حال اگر سرمایه گذاری دولتی اثر منفی بر سرمایه گذاری خصوصی اعمال کند، به عنوان یک کالای جانشین برای آن به حساب می آید. در نتیجه سرمایه گذاری بیشتر دولت، باعث انباشت سرمایه بیشتر از سطح مورد نیاز عاملان بخش خصوصی می شود و بر این اساس جستجوی منحصر به فردی جهت دوباره برقراری یک تخصیص بهینه منابع انجام می شود.

از آنجا که سرمایه گذاران و تحلیل گران اقتصادی معتقدند که سرمایه گذاریهایی که توسط دولت انجام می گیرد نقش مهمی در سرمایه گذاریهای بخش خصوصی دارند، در نتیجه تغییرات سرمایه گذاری بخش عمومی، ابزاری قوی برای سیاست تثبیت و رشد اقتصادی است. این به دلیل تأثیر پذیری بیشتر سرمایه گذاری بخش خصوصی نسبت به سایر متغیرهای اقتصاد کلان می باشد. این عقیده، جزئی از نظریه کلاسیکی است و این در

حالی است که هنوز در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به وسیله شواهد تجربی، مورد آزمون قرار نگرفته است. در واقع در ادبیات اقتصادی کشورهای در حال توسعه، فعالیتهای عمده ای برای یافتن روابط بین سرمایه گذاری بخش خصوصی و بخش دولتی انجام نگرفته و این در حالی است که آزمون این روابط، برای سیاست گذاران اقتصادی در تصمیم گیریهای استراتژی توسعه بلندمدت و برنامه های تثبیتی کوتاه مدت، به منظور ارزیابی عکس العمل سرمایه گذاری خصوصی نسبت به تغییرات سیاست دولت، به ویژه سیاست سرمایه گذاری دولت، از اهمیت بسزائی برخوردار است.

اثر مخارج دولت روی سرمایه گذاری خصوصی، مدت طولانی است که به صورت یک موضوع مهم در بحث های سیاست مالی در آمده است. علی رغم مطالعاتی که در زمینه رابطه بین سرمایه گذاری بخش خصوصی و مخارج بخش دولتی اعم از مخارج سرمایه ای و مصرفی، انجام شده است ولی هنوز هم جای بحث در این زمینه وجود دارد.

بحث های کینزین ها (چارچوب عمومی $IS-LM$) به طور اساسی روی راههایی که دولت برای تأمین مخارج خود انتخاب می کند، تمرکز دارند:

- یک نظریه کینزی مورد بحث این است که اگر مخارج دولت که اساساً توسط قرض تأمین مالی می شود افزایش یابد، به علت رقابت بیشتر برای دسترسی به منابع مالی، باعث افزایش نرخ بهره می شود و یکی از نتایج افزایش نرخ بهره، کاهش سرمایه گذاری خصوصی است. این بحث به طور معمول، به دفع ازدحامی برمی گردد، که قویاً توسط برخی از نظریه ها مورد تردید قرار گرفته است. [۲]
- نظریه کینزی دیگر، که توسط تئوری شتاب^۱ حمایت می شود، بیانگر این است که افزایش مخارج دولت باعث افزایش سطح درآمد می شود، که این افزایش سرمایه گذاری خصوصی را به دنبال دارد، زیرا افزایش درآمد و به دنبال آن افزایش پس انداز، انگیزه و توانایی سرمایه گذاران خصوصی را برای سرمایه گذاری بیشتر می کند. [۲]

بحث های نئوکلاسیکی اساساً روی رابطه مکملی یا جانشینی بین مخارج دولت و سرمایه گذاری خصوصی تمرکز دارند:

- فرض جانشینی از این نظریه ناشی شده است، که افزایش مخارج دولت روی کالاهای سرمایه ای، نرخ تجمع سرمایه را به بیشتر از سطح بهینه افزایش خواهد داد و این باعث می شود که سرمایه گذاران بخش خصوصی، به منظور دوباره برقراری نرخ بهینه تجمع سرمایه در اقتصاد، سرمایه گذاری

1-Accelerator model

خود را کاهش دهند. پس سرمایه گذاری دولت روی کالاهای سرمایه ای، سرمایه گذاری خصوصی را دفع ازدحامی می کند. [۲]

- در مقابل، فرض مکملی تأکید می کند که مخارج دولت روی زیر بناها و سرمایه انسانی احتمالاً سود نهایی سرمایه خصوصی را افزایش خواهد داد و بنابراین سرمایه گذاری خصوصی را بیشتر تهییج می کند، و این باعث اثر جذب ازدحامی می شود. [۲]

نهایتاً یک رویکرد برابری ریکاردویی^۱ که توسط بارو^۲ پیشرفت داده شده است، وجود دارد که می گوید افزایش در کسری بودجه که به علت افزایش در مخارج دولت است، باید اکنون یا بعداً پرداخت شود. به بیان دیگر ارزش فعلی کل دریافتیهای دولت با ارزش فعلی کل پرداختیهای دولت برابر است. بنابراین کاهش مالیات در دوره فعلی باید با افزایش مالیات در دوره آتی برابر باشد، در نتیجه نرخ بهره بدون تغییر باقی می ماند و نهایتاً سرمایه گذاری خصوصی نیز تغییری نمی کند. [۳]

به طور کلی نظریه هایی که بر اساس انتظارات عقلایی استوار هستند، بیانگر این هستند که مخارج دولت که با قرض تأمین مالی می شوند باعث اثر دفع ازدحامی نمی شوند، اگر سرمایه گذاران خصوصی زمانی که در مورد سرمایه گذاری فعلی شان تصمیم می گیرند، کاملاً مخارج دولت که با قرض تأمین شده است را با احتساب افزایش انتظاری در مالیات آتی کاهش دهند. استنباط این نظریه اینست که تصمیمات مالی دولت هیچ ربطی به سرمایه گذاری خصوصی و سطح تولید ندارد.

نهایتاً بارها این موضوع مورد بحث قرار گرفته است که زمانیکه یک سیاست مالی انبساطی با یک سیاست پولی تطبیقی جفت می شود، اثر دفع ازدحامی وجود نخواهد داشت، چون نرخ بهره بدون تغییر باقی می ماند. در چارچوب *IS-LM*، انتخاب این سیاست به معنی جابجایی همزمان نمودارهای *IS* و *LM* به طرف راست می باشد.

۱-۲- ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق

یک موضوع اقتصاد کلان که مکاتب فکری مختلف در مورد آن اختلاف نظر دارند و درگیر هستند، اثر سرمایه گذاری دولتی روی سرمایه گذاری خصوصی است. از آنجائی که این اتفاق نظردر زمینه رشد وجود دارد که سرمایه گذاری خصوصی کاراتر و سودمندتر از سرمایه گذاری عمومی است و در رابطه مثبت معنی داری که هم سرمایه گذاری خصوصی و هم سرمایه گذاری عمومی با رشد و کارایی اقتصادی دارند ضریب سرمایه گذاری خصوصی بزرگتر از سرمایه گذاری عمومی است، بررسی این اثر بسیار مهم و حیاتی می باشد. سرمایه

¹ Ricardian equivalence approach

² Barro

گذاری عمومی روی سرمایه گذاری خصوصی ممکن است اثر جذب ازدحامی^۱ و یا دفع ازدحامی^۲ داشته باشد. اثر جذب ازدحامی سرمایه گذاری عمومی روی سرمایه گذاری خصوصی وقتی رخ می دهد که افزایش سرمایه گذاری عمومی با افزایش سرمایه گذاری خصوصی همراه باشد. اثر دفع ازدحامی در شرایط عکس رخ می دهد. به دلیل اهمیت ارتباط متقابل بین سیاست دولت و سرمایه گذاری بخش خصوصی و برای تحلیل هر گونه اثری که ممکن است یک برنامه تثبیت اقتصادی، در بخش واقعی اقتصاد داشته باشد، بر تبیین نقش سیاستهای دولتی و استخراج رابطه ای بین سرمایه گذاری دولتی با سرمایه گذاری خصوصی تأکید می شود.

نکته مهم این است که مخارج دولت در کشور های در حال توسعه دارای طیف گسترده ای می باشند. این مخارج از نوع سرمایه گذاری های زیر بنایی تا خدمات رفاه اجتماعی را در بر می گیرند که ممکن است اثرات متفاوتی را بر سرمایه گذاری خصوصی بگذارند. از اینرو انتظار می رود که واکنش سرمایه گذاری بخش خصوصی به نوع مخارج دولت تکمیلی (جذبی) یا جانشینی (دفعی) باشد. از آنجا که مطالعات اخیر اساساً روی رابطه بین سرمایه گذاری دولت و سرمایه گذاری خصوصی تمرکز داشته اند، در تحقیق حاضر به دنبال پیشنهاد اشوئر (۱۹۸۹) که می گوید: «بررسی های تجربی نباید فقط اثرات مجموع مخارج دولت را مطالعه کنند بلکه باید به طور خیلی مهم تر اثرات انواع گوناگون مخارج دولت روی سرمایه گذاری خصوصی را مورد مطالعه قرار دهند» می خواهیم اثرات مخارج دولت را روی سرمایه گذاری خصوصی به صورت تفکیک شده بررسی کنیم. [۲]

۳-۱- هدف تحقیق

هدف تحقیق بررسی اثرات اشکال مختلف مخارج دولت روی سرمایه گذاری خصوصی در ایران با استفاده از تکنیک ARDL^۳ و روش تصحیح خطا^۴ می باشد.

۴-۱- فرضیات تحقیق

- آنچه در این مطالعه به عنوان فرضیات اصلی تحقیق در نظر گرفته شده عبارتند از:
- مخارج جاری دولت اثر منفی و مخارج عمرانی آن اثر مثبت بر سرمایه گذاری خصوصی دارند.

^۱ Crowding in

^۲ Crowding out

^۳ Auto Regressive Distuributed Lag

^۴ Error correction model

- سرمایه گذاری عمومی در بخش های زیر بنایی و همچنین در پروژه های دراز مدت با هزینه بالا باعث تقویت بخش خصوصی و بالعکس در بخش های غیر زیر بنایی باعث کاهش سرمایه گذاری خصوصی می شود.

۱-۵- دوره زمانی تحقیق

در این تحقیق با استفاده از داده های اقتصاد کلان ایران طی سالهای ۱۳۸۲-۱۳۳۸ اثرات اشکال مختلف مخارج دولت (اعم از مخارج جاری و عمرانی) روی سرمایه گذاری خصوصی مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است.

۱-۶- روش شناسی تحقیق

در این رساله، روش تحقیق تجربی و توصیفی بوده و گردآوری اطلاعات و داده ها به صورت کتابخانه ای بوده است. داده ها با استناد به آمارهای رسمی مراکز دولتی نظیر ترازنامه بانک مرکزی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی و مرکز آمار ایران صورت پذیرفت. پس از تصریح مدل، با استفاده از تکنیک های اقتصادسنجی به بررسی و برآورد مدل پرداختیم. بعد از معرفی مدل و شناسایی متغیرهای آن و بررسی پایایی متغیرها در طول زمان، با استفاده از تکنیک ARDL و تصحیح خطا مدل برآورد گردید.

فصل دوم

مروری بر نظریه های سرمایه گذاری

۲-۱- مقدمه

اکثر اقتصاد دانان صرفنظر از مکتب فکری خود بر تشکیل سرمایه و سرمایه گذاری به عنوان مهمترین عامل تعیین کننده رشد و توسعه اقتصادی تأکید زیادی داشته اند.

گر چه سرمایه شرط لازم برای پیشرفت اقتصادی است نه شرط کافی و اینکه شرح عقب ماندگی، در تشکیل سرمایه خلاصه نمی شود، ولی تشکیل سرمایه هسته مرکزی رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است. اهمیت موضوع سرمایه گذاری در تمامی مدل های رشد اقتصادی مطرح شده از سوی اقتصاد دانان مختلف، به خوبی نمایان است. به همین لحاظ در این قسمت با اشاره ای مختصر به عقاید برخی از صاحب نظران اقتصادی، به تبیین نقش و جایگاه سرمایه گذاری در فرآیند رشد اقتصادی خواهیم پرداخت.

۲-۱-۱- اهمیت سرمایه گذاری در عقاید صاحب نظران رشد و توسعه

برای دیدن نقش و اهمیت سرمایه گذاری در نظریات اندیشمندان بزرگ علم اقتصاد در ابتدا از اقتصاد دانان کلاسیک شروع می کنیم. در تئوری توسعه اقتصادی کلاسیک، سرمایه نقش مرکزی را بازی می کرد و برای آدام اسمیت و ریکاردو و پیروان آنها، انباشت سرمایه تعیین کننده اساسی رشد و پیشرفت اقتصادی بود.

در این زمینه آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل خود خاطر نشان می کند: «هر افزایش یا کاهش سرمایه به طور طبیعی به افزایش یا کاهش ارزش حقیقی صنعت، تعداد دستهای تولیدی و نتیجتاً ارزش قابل مبادله تولید سالانه

زمین و کار کشور، ثروت حقیقی و درآمد تمام ساکنین آن بستگی دارد. سرمایه‌ها با صرفه‌جویی افزایش داده می‌شوند و با ولخرجی و اسراف کاهش می‌یابند، تمام ولخرج‌ها به نظر می‌رسد دشمن جامعه باشند و تمام صرفه‌جویان خیرخواه جامعه».[۴]

از بیان فوق می‌توان نتیجه گرفت که از نظر اسمیت و سایر اقتصاددانان کلاسیک پس‌انداز به وسیله دست‌نمائی به سرمایه تبدیل شده و لذا بحث سرمایه‌گذاری در نزد آنان یک بحث پس‌انداز می‌باشد. لذا از نظر علمای قرن نوزدهم بعد از اسمیت، وجود پس‌انداز شرط کافی برای به وجود آمدن سرمایه‌گذاری بوده است و قیمتی که برابری این دو را تضمین می‌کرده است نرخ بهره بوده است. اما در این میان مالتوس معتقد بود که پس‌انداز علی‌رغم اینکه بسیار لازم و مطلوب است ولی ممکن است حجم آن از حد مورد نیاز تجاوز کند. به نظر وی مفهوم پس‌انداز بیش از حد، عبارت است از کم شدن مصرف و در نتیجه عرضه بیش از تقاضا شده و سبب می‌گردد مقداری از سرمایه بلااستفاده بماند. طبیعی است که بلااستفاده ماندن سرمایه مخالف پیشرفت و توسعه اقتصادی است. از اینجا می‌توان پی برد که مالتوس در واقع اثر تمایل بیش از حد به پس‌انداز را روی تقاضای مؤثر مد نظر داشته است و در واقع از قرن نوزدهم تنها این دانشمند بود که تشکیل بیش از حد سرمایه را تجویز نمی‌کرد. کینز با گرفتن این ایده در نظریات خود اثر کاهش تمایل به مصرف را که در واقع موجب محدود شدن تقاضای مؤثر می‌شود مضر دانست و در کتاب «نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول» خود چنین اشاره می‌کند: «برای این واقعیت اهمیت بسیار اندکی قائل می‌شویم که سرمایه یک مقوله مستقلی نیست که جدا از مصرف وجود داشته باشد. برعکس هر گونه ضعف در میل به مصرف که به منزله عادت همیشگی تلقی گردد باید تقاضای سرمایه را نیز مانند تقاضای مصرف تضعیف نماید.»[۴]

ملاحظه می‌شود که در میان دانشمندان بزرگ تا زمان ارائه مدل رشد نئوکلاسیک توسط رابرت سولو، بر تشکیل سرمایه تأکید چندانی وجود ندارد، بلکه تأکید در حد مطلوب آن می‌باشد. الوین هانسن نیز عقیده مالتوس را تحت تأثیر عقاید کینز به این صورت بیان می‌کند: «فرصتهای سرمایه‌گذاری در جامعه توسعه نیافته ممکن است برای جذب حجم پس‌انداز کافی نباشد و در نتیجه پیشرفت اقتصادی متوقف می‌گردد.»[۴]

از جمله نخستین کسانی که بر اهمیت تشکیل سرمایه در کشورهای در حال توسعه، به منظور دست‌یافتن بر رشد و توسعه اقتصادی تأکید کرده است، پروفیسور راگنار نورکس بود که در این رابطه چنین می‌گوید: «تشکیل سرمایه هسته مرکزی رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه نیافته است و این مناطق به اصطلاح توسعه نیافته در مقایسه با کشورهای پیشرفته نسبت به جمعیت و منابع طبیعی شان از سرمایه کمتری نیز برخوردارند.»[۵،

غالباً اقتصاد دانان توسعه به کمبود سرمایه در کشورهای توسعه نیافته، به عنوان یکی از عوامل اصلی عدم رشد و توسعه تأکید کرده اند. در واقع در نظریات ارائه شده در مورد سرمایه گذاری در کشورهای توسعه نیافته، بیشتر بحث ما در این جهت است که چرا سرمایه گذاری در این کشورها صورت نمی گیرد و موانع آن چه می باشد؟ نورکس می گوید: «وقتی مسئله تشکیل سرمایه را از طرف عرضه مورد توجه قرار دهیم دایره خبیثه فقر^۱ از سطح پایین درآمد آغاز می شود و در نتیجه به ظرفیت کم پس انداز و به دنبال آن به فقدان سرمایه و قدرت کم تولید می رسد و در نهایت به سطح پایین درآمد واقعی سرانه باز می گردد. در واقع پدیده توسعه نیافتگی را در گرداب دوره‌های باطل فقر^۲ گرفتار دیده اند. [۵، صفحه ۷-۵]

نورکس اضافه می کند: «تشکیل سرمایه صرفاً شامل موضوع عرضه سرمایه نیست گو اینکه بدون شک قسمت مهمتر مسئله را تشکیل می دهد. از نقطه نظر تقاضا، انگیزه سرمایه گذاری ممکن است به سبب ضعف قدرت خرید مردم باشد. ضعف قدرت خرید مردم ناشی از درآمد واقعی کم آنهاست و آن هم به سبب تولید کم است، و به هر حال سطح پایین قدرت تولید معلول مقدار کم سرمایه ای است که در تولید به کار می رود و آن به نوبه خود حداقل از کمی انگیزه های سرمایه گذاری ناشی می شود».

نورکس برای رهایی از چنگال دوره‌های باطل فقر، فعالیت‌های همه جانبه را لازم می داند و می گوید: تنها راه فرار از این دورها کاربرد همزمان سرمایه در دامنه وسیعی از صنایع مختلف می باشد، که راه فرار از دوره‌های باطل فقر است. زیرا حاصل کار، پیدایش بازارهای وسیع و همه جانبه است. وی می گوید رشد نا متوازن راه نجات از دوره‌های باطل نمی باشد. [۵، صفحه ۲۰-۱۳]

سپس نورکس هر دو جنبه مسئله را در نظر می گیرد و ادعا می کند که در مراحل اولیه رشد اقتصادی، مهمترین عامل از نظر انگیزه های سرمایه گذاری خصوصی، حجم محدود بازار محلی این کشورهاست. در این رابطه می گوید: به یاد نمی آید که برای مصرف بازار محلی جوامع رشد نیافته، اساساً شوق وافر در سرمایه گذاری خصوصی وجود داشته باشد. زیرا، این بازارها آنقدر کوچک هستند که هیچگونه انگیزه ای در این جهت به وجود نمی آورند. [۶، صفحه ۸۶]

انجام سرمایه گذاری خصوصی معمولاً بستگی به کشش تقاضای بازار دارد. ممکن است ضعف عوامل امید بخش برای سرمایه گذاری خصوصی در اقتصاد محلی کشورهای کم درآمد، هم سرمایه های داخلی و هم سرمایه های خارجی را از عمل باز دارد.

1-Vicious Circle of Poverty

2-Vicious Cycle of Poverty

مسئله دیگری که نورکس مطرح می کند اینست که بیکاری پنهان منبعی برای تشکیل سرمایه کشورهای جهان سوم می باشد، در واقع این کشورها از بیکاری پنهان رنج می برند و اگر آنها را از کار ویژه خود، به ویژه کشاورزی، کنار بزنیم کاهش در تولید به وجود نمی آید.

در واقع به اندازه سهمی که این بیکاران پنهان از تولید ملی می برند پس انداز وجود دارد که این پس انداز در عمل به وجود نمی آید. [۷، صفحه ۲۹۵-۲۹۰]

مطلب دیگری که نورکس مطرح می کند «اثر تقلیدی یا اثر نمایشی»^۱ است که از فرضیه مصرف دوزنبیری^۲ اقتباس شده است. هر فرد سعی می کند استاندارد زندگی خود را به سطح همسایه های خود برساند. زمانیکه کشورهای توسعه نیافته در ارتباط با جهان توسعه یافته قرار می گیرند سعی می کنند عادات و رفتار مصرفی مردم کشورهای توسعه یافته را تقلید کنند و در نهایت سعی می کنند تا به سطح مصرف آنها دست یابند، بنابراین تمایل به پس انداز کاهش می یابد و اگر افزایش در درآمد ها ایجاد گردد، صرف هزینه های مصرفی و چشم و هم چشمی می شود. در این حالت درآمد هایی که باید صرف افزایش حجم پس انداز شود، در کانالهای غیر مولد به کار می روند و در نتیجه نرخ سرمایه گذاری با تشکیل سرمایه افزایش نمی یابد. از طرف دیگر به خاطر اینکه تمایل به مصرف بالای کالاهای لوکس وارداتی وجود دارد، بر تراز پرداختها نیز فشار می آورد. حتی این مطلب را اگر با بحث نورکس درباره حجم محدود بازار داخلی در کشورهای توسعه نیافته در کنار هم مطالعه کنیم متوجه می شویم حتی با فرض محدود نبودن بازار داخلی، بر اثر تمایل به واردات کالاهای خارجی، عملاً حجم بازاری که وجود دارد به تصرف کالاهای خارجی درآمده و بازارهای کشورهای جهان سوم را مملو از این کالاهای می بینیم که انگیزه سرمایه گذاری را از بین می برد یا به سوی سرمایه گذاریهای هدایت می شوند که شرایط را برای مصرف کالاهای خارجی مهیا می سازند. گونار میردال می گوید: در کشورهای در حال توسعه ترکیبی از روندهای عوامل دورانی و متراکم که در این کشورها موسوم به دوره های باطل فقر است، بر جریان توسعه اقتصادی اثر منفی داشته و نا برابریها را افزایش می دهند. وی نتیجه می گیرد که در کشورهای توسعه نیافته به خاطر فقر، تقاضای سرمایه گذاری در مقایسه با پس اندازهای اندک، در این کشورها ناچیز می باشد و در نتیجه باعث افزایش درآمد و تولید نمی شود. [۷، صفحه ۳۷۳-۳۶۳]

یعنی در واقع نقش محدودیت بازار را روی تشکیل سرمایه مورد بررسی قرار داده است، همچنین میردال تحلیل های خود را از روند نا برابری بین مناطق موجود در یک کشور آغاز می کند و آن را در مورد کل ممالک تعمیم می دهد. به اعتقاد وی رابطه مبادله، می تواند محرک رشد یا عقب ماندگی شود. این امر به معنی انتقال

1- Demonstration

2- Concuming Dousenbery Theorem

بخشی از پس اندازهایی است که می تواند در این کشورها به وجود آید و بر اثر تجارت خارجی و رابطه مبادله نا برابر به جهان توسعه یافته انتقال پیدا کرده و کمبود پس انداز که منبع تشکیل سرمایه است را موجب می شود. وی در این باره می گوید: تجارت خارجی به مثابه موتور رشد اقتصادی، با توجه به شرایط و تقسیم بندی فصل جهان، در وضعیت کشورهای عقب افتاده کارایی نداشته است. باز گذاردن درهای اقتصاد ملی بر روی تجارت جهانی و از آن جمله سرمایه های خارجی، یکی از دلایل اصلی عدم رشد نیروهای مولد اجتماعی است. [۷، صفحه ۳۶۶]

روزن اشتاین - رودن با تأکید بر پایین بودن سطح پس اندازها در کشورهای توسعه نیافته، دام تعادل سطح پایین را می پذیرد و بر این عقیده است که برای چیرگی بر موانع موجود بر سر راه توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه نیاز به یک برنامه ریزی جامع و کامل سرمایه گذاری است و معتقد است که کشورهای در حال توسعه معمولاً در حال رکود به سر می برند و برای رهایی از این رکود و قرار گرفتن در راه رشد مداوم اقتصادی نیاز به سرمایه گذاری زیادی است.

وی معتقد است که در کشورهای در حال توسعه به علت ضعف تاریخی نیروهای مولد و فقدان نیروهای بازار جهت تعدیل قیمتها، شرکت دولت در فعالیتهای اقتصادی ضروری است. همچنین با مطرح کردن خطر نیافتن بازارهای وسیع، که از انگیزه های سرمایه گذاری می کاهد، ممکن بودن تقاضا را به دلیل از بین رفتن خطر نیافتن مشتری می داند و آنرا نوعی صرفه جویی خارجی تلقی می کند و تأکید او بر صرفه جوییهای خارجی مهمترین اختلاف بارز بین نظریه های اقتصادی استاتیک و نظریه های دینامیک رشد و توسعه است. زیرا در تمامی تئوریهای اقتصادی استاتیک صرفه جوییهای خارجی نادیده گرفته می شوند. رودن با بیان این مطلب که، اگر امکانات سرمایه گذاری را به مقیاس وسیع و کافی در تمامی بخشهای صنعتی جدید در یک منطقه فراهم آوریم صرفه جوییهای حاصله سودهای داخلی را نیز به همراه دارد، نظریه خود را بر مبنای «رشد متعادل» می داند، اما اگر یک اقتصاد بتواند با سرمایه گذاری زیاد، موجودی سرمایه سرانه را افزایش دهد از دام تعادل سطح پایین رهایی یافته است. [۷، صفحه ۲۸۳-۲۸۲]

نظریه دیگری مشابه با نظریه روزن اشتاین - رودن، نظریه ریچارد نلسون درباره پدیده عقب ماندگی و چگونگی رهایی از آن است. به عقیده وی بیماری اقتصاد کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه را می توان از تثبیت موازنه سطح درآمد سرانه در سطح حداقل معاش تشخیص داد. [۶، صفحه ۱۲۱]

در نقطه تثبیت موازنه، سطح درآمد سرانه، نرخ پس اندازها و متعاقباً نرخ سرمایه گذاریهای خالص بسیار ناچیز است و میزان رشد درآمد در سطح پایین حاصل خواهد شد.

در نظریه نلسون سرمایه گذاری خالص عبارت است از پس اندازهای صورت گرفته، که دقیقاً همان منابع مالی هستند که صرف سرمایه گذاری می شوند. بنابراین می توان آنها را درست برابر میزان افزایش ذخایر ماشین آلات، تجهیزات و ابزارهای سرمایه ای طی یک دوره در نظر گرفت.

روشن است که در نظریه نلسون اینگونه سرمایه گذاریها صورت نمی گیرد، مگر آنکه میزان درآمد سرانه به سطح بالای حداقل معاش برسد. بعد از آن است که این قبیل سرمایه گذاریها، همزمان با افزایش درآمد سرانه و به دلیل پیدایش پس انداز افزایش خواهد یافت و این همراه با افزایش جمعیت خواهد بود.

آرتور لوئیس نظریه توسعه اقتصادی خود را به وسیله عرضه نامحدود نیروی کار و با تشخیص وجود دوگانگی اقتصادی در ممالک توسعه نیافته مطرح کرد. وی مانند اقتصاد دانان کلاسیک معتقد است که در اکثر کشورهای در حال توسعه، عرضه نیروی کار نامحدود است و سطح دستمزد آنها در سطح حداقل معاش قرار دارد. توسعه اقتصادی زمانی رخ خواهد داد که مازاد نیروی کار در بخش سنتی، به مثابه ابزاری جهت تشکیل سرمایه به بخش مدرن اقتصاد که وی آنرا بخش سرمایه داری می خواند انتقال داده شود. [۸، صفحه ۱۴۵-۱۴۲]

به عقیده لوئیس، مشکل اصلی در توسعه اقتصادی، فهم و درک روندی است که طی آن جامعه ای چهار یا پنج درصد از درآمد ملی خود را صرف پس انداز و سرمایه گذاری کند. در حالی که همزمان با این، به علت وجود بازار نیروی کار، میزان پس اندازهای واقعی ۰/۱۲ تا ۰/۱۵ از درآمد ملی است. همچنین به عقیده وی مهمترین نکته در توسعه اقتصادی، تشکیل سرمایه است و طبقه سرمایه داران خصوصی یک جامعه، در تعقیب و یا ساختن فرصتهای مناسب هستند، و به ویژه از پروژه هایی که بازارها را توسعه می دهند و تکنیک های مدرن تری دارند استفاده می کنند، تا بتوانند سود خود را حداکثر کنند. از سوی دیگر، سرمایه داران دولتی می توانند با سرعت بیشتری نسبت به سرمایه گذاران خصوصی تشکیل سرمایه دهند. [۸، صفحه ۱۴۸]

لوئیس به وجود مؤسساتی که پس اندازها را به سوی سرمایه گذاری هدایت کنند تأکید کرده است. بحث او این است که سرمایه نه تنها از طریق سود، بلکه از طریق اعتبارات نیز ایجاد می شود. از آنجا که در کشورهای در حال توسعه سرمایه و مواد اولیه کمیاب است، اعتبارات بانکی همان نقشی را در تشکیل سرمایه می توانند داشته باشند که سود می توانست ایفا کند. دادن اعتبارات بانکی به سرمایه داران خلاق و مبتکر، تولید و اشتغال را افزایش خواهد داد.

لوئیس همچنین اعتبارات را وسیله ای برای تشکیل سرمایه می داند و درباره اینکه ممکن است تورم زا باشد می افزاید: «تورمی که در جریان تشکیل سرمایه به وجود می آید موقتی است، چون این تورم شرایط نابودی خود را فراهم می کند، قیمتهای افزایش یافته دیر یا زود توأم با افزایش تولید کل کاهش خواهند یافت، حتی تولید به اندازه ای افزایش خواهد یافت که اثر منفی بر قیمتها خواهد گذاشت».